



## تجلی اندیشه مانی در نقاشی‌های قرون میانه\*

ماندانا علی پور<sup>۱</sup>، رقیه بهزادی<sup>۲\*</sup>، شهلا اسلامی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه فلسفه هنر، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
<sup>۲</sup> دانشیار گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.  
<sup>۳</sup> استادیار گروه فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
 (دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳، پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۴/۲۶)

### چکیده

مسیحیت آغازین در اثر پیروی از سنت‌های آیین یهود، که در آن تصویرسازی منع می‌شد، توجهی به نقاشی ابراز نمی‌داشت اما با گسترش آن آیین، شاهد تجلی هنر نقاشی هستیم. در آثار برجای مانده از گور دخمه‌ها در شهر رم، مسیحیان به پیروی از سنت هلنی-رومی انسان را به شکل موجودی ایدئال نقش کرده‌اند. با نظر به ثبات نگرش‌های هنری و زیبایی‌شناسی از عصر پیشا-مسیحی (شامل هارمونی، توازن، تناسب و ممسیس یا تقلید از طبیعت) و با ارجاع به آیه ۱:۲۶ از سفر پیدایش عهد عتیق که در باب آفرینش عنوان کرده است: «پروردگار انسان را به صورت خود آفرید»، انتظار می‌رفت که هنر مسیحی در همان مسیر هنر یونان و روم پیش برود و فقط جنبه مسیحی به خود بگیرد آن گونه که در هنر مسیحیت آغازین و در گور دخمه‌های شهر رم به چشم می‌خورد؛ اما به مرور شاهد ظهور هنری مصنوعی و پرتلاؤ هستیم که یادآور شیوه و اندیشه ثنویت‌گرای گنوسی-مانوی است. مانی نخستین رهبر جهان مسیحیت است که سنت هنری را با توجه به اندیشه ثنویت‌گرا گسترش می‌دهد و آن را عملی قدسی بر می‌شمارد. حتی عده‌ای نقاشی‌های او را معجزه‌آسا می‌شمارند. او به عنوان یکی از نخستین مسیحیان با رویکردی متضمن اندیشه دوگانه‌پرستی به ابداع شیوه‌ای در هماهنگی کامل با اندیشه ثنویت‌گرا، به مفهوم شرانگاری ماده و جهان مادی، پرداخت. وی جهانی به دور از طبیعت‌گرایی و در تضاد با اندیشه مسیحیان، که طبیعت و جهان ماده را به عنوان مخلوق پروردگار می‌ستودند، مصور ساخت. در یافته‌های پژوهش، اندیشه ثنویت‌گرای مانی در نقاشی‌های قرون میانه قابل بازشناسی است.

### واژگان کلیدی

نقاشی قرون میانه، مانویت، اندیشه ثنویت‌گرا، آوگوستین مقدس.

\* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تجلی اندیشه مانی در نقاشی‌های قرون میانه» می‌باشد که با راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم ارائه شده است.  
 \*\* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۰۲۱-۲۲۰۰۰۸۹۱، نمابر: ۰۰۲۱-۴۴۸۶۵۵۰۰. E-mail: ro.behzadi99@gmail.com



## مقدمه

با مقایسه آثار مانویان و مسیحیان شاهد تشابهات انکارناپذیری در مبانی اجرا و اندیشه آن‌ها هستیم. در واقع مانی نخستین رهبر مسیحی است که سنت هنری ویژه‌ای را پایه‌گذاری می‌کند و علی‌رغم سنت یهود و مسیحیت برخاسته از آن، نه تنها تأکید بر تصویرسازی دارد بلکه آن را عملی مقدس می‌شمارد. وی در سومین سده میلادی به عنوان نقاش، خطاط و پیام‌آور ایرانی، مسیحیت ثنویت‌گرای ملهم از آرای ایران باستان را پایه‌گذاری کرد و خود را فاراقلیطی معرفی نمود که مسیح ظهورش را بشارت داده بود. وی با رویکردی متضمن اندیشه دوگانه‌پرستی، مسیحیت ثنویت‌گرا را معرفی کرد. در این باور، دو نیروی خیر و شر، به گونه‌ای مجزا و مستقل در نظر گرفته می‌شوند؛ به این صورت که از یک سو نور، روشنی و روح، خیر و از سوی دیگر ظلمت، تاریکی و ماده، شر به شمار می‌آیند. مانی از نقاشی به عنوان ابزاری جهت تبلیغ آیین خود و نیز یکی از شیوه‌های نجات بشر از قید ماده بهره می‌گرفت. از آنجا که ماده و جهان مادی را شر می‌شمرد نقاشی‌ها می‌بایستی فضایی غیرمادی و روحانی را به نمایش می‌گذاشتند یعنی فاقد ژرف‌نمایی، سایه‌روشن و احساسات و تناسبات ایدی‌ال بشری بودند. به عبارتی همان شیوه‌ای که در جهان مسیحیت و برخلاف دیدگاه زیباشناسی آنان متداول گشت.

پرسش‌های اساسی که این مقاله در پی پاسخگویی به آنها می‌باشد عبارت‌اند از:

۱. آیا هنر عیسوی در پی سنت مانوی گسترش یافته است؟
۲. آیا می‌توان اندیشه ثنویت‌گرای مانی را در نقاشی‌های قرون میانه باز شناخت؟
۳. حلقه‌های انتقال اندیشه مانی در مسیحیت کدام‌اند؟

در این راستا و به جهت پاسخ به پرسش‌های مذکور، نخست به مفاهیم زیبایی‌شناسی در یونان باستان و سپس در قرون میانه می‌پردازیم. در ادامه، برخی نظرات اندیشمندان مبتنی بر تأثیر مانویت بر آرای قدیس آگوستین را بررسی می‌کنیم و سرانجام به بازشناسی اندیشه ثنویت‌گرا در برخی از نقاشی‌های قرون میانه خواهیم پرداخت.

در این مقاله ابتدا هنر و زیبایی از نگاه نخستین فیلسوفان یونان شرح داده شده است. سپس به زیبایی‌شناسی قرون میانه پرداخته شده و نقاشی قرون میانه و اندیشه ثنویت‌گرای گنوسی-مانوی بررسی شده است. در انتها نیز به بازشناسی اندیشه مانوی در آثار نقاشی دوره میانه (در چند نمونه از نقاشی‌های این دوره) پرداخته‌ایم.

## پیشینه پژوهش

ربکا روپر در رساله خود به بررسی زندگی و آراء قدیس فرانسیس آسیزی<sup>۱</sup> می‌پردازد و معتقد است که قدیس فرانسیس به سبب وجود آراء فرقه کاتار (فرقه‌ای مرتد و ثنویت‌گرا) دست به اصلاح آثار هنری مقدس می‌زند و جنبه‌های انسان‌گرایانه و طبیعت‌گرا را به منظور حذف آراء کاتارها به آثار می‌افزاید. بدین لحاظ وی را می‌توان اولین فردی دانست که فلسفه اومانیزم را پایه‌گذاری کرد.

پژوهشگران بسیاری به قرابت میان اندیشه مانوی و آرای قدیس

## مبانی نظری پژوهش

### هنر و زیبایی‌پیشافلسفه

بشر از آغاز زندگی اجتماعی خود، با انگیزه‌هایی گوناگون اعم از خلق زیبایی و کسب لذت، دست به خلق آثار هنری زده است. در سراسر جهان و در طی اعصار، شاهد تداوم هنر و خلق آثار هنری بوده‌ایم، از معماری گرفته تا نقاشی و پیکرتراشی و دیگر ساختارهایی که امروزه واژه هنر را بر آنان اطلاق می‌کنیم. این آثار از وجه زیبایی‌شناختی خود، ناظر به باورهای دینی و در جهت اهداف مذهبی خلق می‌شدند. در جوامعی همچون یونان باستان جهت تجسم خدایان، هنر باید طبیعت‌گرا و آرمانی می‌بود. فیلسوفان یونان باستان، نخستین نظریه‌پردازان درباره هنر و زیبایی بودند. در آن عصر، هنر در معنای آینه‌آفرینی مفهوم عام تمام صنایع، نظیر نقاشی، موسیقی، سلاح‌سازی و حتی تجارت و سیاست را در بر می‌گرفت. در عصر پیشافلسفه و در دوران اساطیری، تخته به ویژه در شعر و موسیقی، واجد ساحتی قدسی و هنرمند، واسط نیروهای مینوی و انسان بود. هنر به معنای حضور نیروهای ماورای طبیعی، و دختران زئوس یعنی موزه‌ها، سرچشمه هنر به شمار می‌آمدند. هنر ندایی نیوشیده توسط موزه‌ها بود که شاعر و خنیاگر در حالت خلسه آن را دریافت می‌داشتند.

از این رو هنر به مفهوم انکشاف حقیقت و ظهور بود.

در اساطیر یونان باستان همه ارواح با نوشیدن آب از چشمه لتیا (= لته) به فراموشی دچار می‌شدند و آلتیا<sup>۲</sup> به مفهوم از پرده در آوردن و به ظهور رساندن حقیقت (Wolenski, 2003: 241)، کنشی بود که توسط هنرمند صورت می‌گرفت. فوزیس<sup>۳</sup> در معنی طبیعت نیز، ظهور رخ داده در طبیعت است که بخشی از آن قابل دیدن و بخشی پنهان از دید است. بدین لحاظ تقلید از طبیعت برای ایشان مطلوب و حائز اهمیت بود. نظرات آرمان‌گرایانه آنها بر این اصل استوار بود که تناسب و چیدمان اجزاء می‌بایستی در حد کمال و هماهنگی تام صورت گیرد و همین مفهوم بود که تعریف زیبایی به‌شمار می‌آمد. به عبارتی، زیبایی، آرایش متناسب اجزا و عناصر بوده است. بنابراین هنرمند برای خلق آثار مقدس خود کار را با تقلیدی متناسب و ایدئال از طبیعت به انجام می‌رساند. آنان تناسب فاقد دقت را زیبا نمی‌انگاشتند و از این رو، هنر جهت آفرینش زیبایی، تقلیدی ایدئال از طبیعت بود. بنابراین افسانه‌ای: «ژئوکسیس دانه‌های انگور را چنان واقعی نقاشی کرده بود که پرندگان به خیال انگور آنها را تک می‌زدند (...). پارمازیوس رقیب خود ژئوکسیس را به دیدن آتیه‌اش دعوت کرد و وقتی ژئوکسیس خواست پرده‌ای را از روی یک تابلو



مفهوم خوب و رضایت‌بخش و نه پول‌چروم<sup>۱۲</sup> به مفهوم زیبا، استفاده شده است (تاتار کیویچ، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۸). به همین جهت در ترجمه فارسی به سبب ترجمه از متن عبری آن آمده است: «آنگاه خداوند به آنچه آفریده بود نظر کرد و کار آفرینش را از هر لحاظ عالی دید» (۱:۱ پیدایش).

این تفکر یونانی که زیبایی خلقت نشانی از وجود یک موجود برتر، متفکر و خالق است و اندیشه فیثاغوری که زیبایی را هماهنگی اجزاء و تناسب عددی می‌انگاشت مورد قبول مسیحیان واقع شد. در کتاب مقدس آمده است: «خداوند همه چیز را بر اساس اندازه و عدد و وزن آراسته» (۲۱:۱۱) «و همین شد که نظریه‌های ریاضی به یکی از نظریه‌های اصلی زیبایی‌شناسی در دوره‌ای دینی بدل شود» (تاتار کیویچ، ۱۳۹۶: ۲۰). از سوی دیگر، مسیحیان طبیعت و جهان مادی را به‌عنوان خلقت پروردگار می‌ستودند. بدین صورت تعریفی از زیبایی‌شناسی در جهان مسیحیت رواج یافت که بر مبنای اصول فکری یونانیان استوار بود و آباب کلیسای شرق و غرب بر آن توافق داشتند. در آیین یهود و کتاب مقدس‌شان عهد عتیق بارها از بازنمایی خداوند و هر موجود زنده دیگری منع شده است، از جمله پیکر تراشی، نقاشی، حکاکی. مسیحیان اولیه و برخی از رهبران مسیحی متأخر در توافق با عهد عتیق، هنر را به‌طور کلی منع کردند حتی ترتولیان از کلیسای یونانی «اثر هنری را به منزله عمل شیطان قلمداد می‌کرد» (همان، ۳۱). اما بعدها نه تنها آن را مجاز شمردند و به تصویرسازی کتب مقدس پرداختند بلکه کلیسا را به‌انجیل مصور تبدیل کردند.

### زیباشناسی بیزانس یا امپراتوری مسیحی شرقی

زیباشناسی بازیل مقدس: St. Basil of Caesarea ۳۲۹-۳۷۹ م.

جهان بیزانس و زیباشناسی آن متأثر از یونان و نگرش یونانیان، مسیحی و فلسفی بوده است. متفکران بیزانس قائل به دو جهان مادی و معنوی بودند. بازیل مقدس، یکی از مهم‌ترین متألهان بیزانس، همانند یونانیان زیبایی را تناسب میان اجزا ذکر می‌کند و می‌افزاید: «یقیناً نور زیباست گرچه جوهری همگن است و بین اجزایش تناسبی مقتضی برقرار نیست اما این امر نافی این دیدگاه نیست که زیبایی بر تناسب مبتنی است. زیرا نور نیز رابطه یا تناسبی مقتضی خود دارد. منظور از این تناسب روابط متقابل اجزای نور نیست بلکه رابطه آن با اندام بینایی است. زیبایی بر این رابطه مبتنی است» (تاتار کیویچ، ۱۳۹۶: ۳۴).

قدیس بازیل هنر را تقلید یا محاکات می‌شمارد اما تقلیدی روحانی؛ او می‌نویسد: «آنچه جهان با اصوات ارتباط برقرار می‌کند، نقاشی با سکوت و تقلید آن را انجام می‌دهد» (Karhan, 2012: 170). در این راستا او زیبایی را انگیزه‌ای برای تفکر و محاکات از ذات الهی می‌داند. «زیبایی آن است که موجب الوهیت گردد و ارتباط با خدا» (Ibid.: 190). درباره تصویر مسیح می‌گوید که این تصویر باید «تصویر پروردگار را در اشخاص معتقد پرورش دهد» (Ibid.: 178). او تقلید از حضرت مریم (ع) و قدیسان را نیز به آن جهت که به خدا نزدیک هستند جایز شمرده است. مسیح را کمال زیبایی توصیف می‌کند همان‌گونه که داوود خدا را کمال توصیف می‌کند (Ibid.: 189) زیرا میان پروردگار و مسیح تفاوتی قائل نیست. می‌نویسد: «بگذار تا اثر استاد کار را تکریم کنم که با خرد و

نقاشی کنار بزند دریافت پرده واقعی نیست و نقاشی شده است» (سوانه، ۱۳۹۳: ۴۲).

هنر یونان باستان قانون‌محور به‌شمار می‌رفت زیرا واجد هارمونی، تقارن و ریتم بود و همین قوانین، آفریننده زیبایی بودند. به سبب ارجی که یونانیان به طبیعت می‌نهادند تقلید دقیق از آن خوشایند به نظر می‌رسید؛ لذا نقاشی واجد سایه‌روشن و ژرف‌نمایی بوده است. آرای یونانیان در حوزه زیبایی‌شناسی مورد قبول رومیان نیز بوده است و آنان نیز بر مبنای همین اصول به آفرینش هنری دست زده‌اند. فیثاغورث، فیلسوف نامور یونان هم، مکتبی بنیاد نهاد که در آن پایه و اساس همه چیز عدد است و بدین‌گونه به آفرینش ریاضی‌وار جهان اشاره کرد. در این باور بیشتر از واژه‌ی هارمونی (هم‌سازی) به جای زیبایی استفاده شده است: «هارمونی و تقارن را نه تنها ارزشمند و سودمند بلکه به‌عنوان نسبت مشخص عینی در اشیاء می‌دانستند. یکی از اعتقادات آنها این بود که خصوصیتی که هارمونی اشیاء به وجود می‌آورد نظم و ترتیب آنهاست» (تاتار کیویچ، ۱۳۹۲: ۴۷). این دیدگاه فیثاغوریان بنیان زیبایی‌شناسی یونان قرار گرفت و قرن‌ها مورد توافق بود. با ظهور فلاسفه بزرگی همچون سقراط، افلاطون و ارسطو نظریه‌های متفاوت در باب زیبایی و هنر ارائه شد اما همچنان بر هارمونی، تناسب اجزا و ممسیس تکیه می‌شد.

«مطرح می‌شود و پاسخ‌های داده‌شده یکی پس از دیگری بررسی و رد می‌شوند. سرانجام هیچ پاسخ قانع‌کننده‌ای به پرسش داده نمی‌شود و سقراط در آخر می‌گوید: «زیبا دشوار است» (افلاطون، ۱۳۶۷: ۶۰۱).

### قرون وسطا

با ظهور عیسی مسیح و گسترش آیین مسیحیت در سراسر امپراتوری روم، دوران خدایان مجعول به سر رسید و طی فرمان کنستانتین اول در شورای میلان (۳۱۳ م) پیروی از آن آیین بلامانع شد. در سال ۳۸۰ م. و در شورای تسالونیکا<sup>۱۳</sup> (۳۹۵ م) مسیحیت دین رسمی امپراتوری اعلام شد و سپس امپراتوری روم به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد. امپراتوری روم غربی با حمله اقوام شمالی از هم پاشید و امپراتوری روم شرقی تحت عنوان بیزانس به فرمانروایی خود قوام بخشید. در شرق امپراتوری، زبان یونانی رواج داشت در حالی که در غرب، زبان لاتین مورد استفاده بود. از نمایندگان آباب یونانی می‌توان از بازیل مقدس نام برد و از آباب کلیسای لاتین، قدیس آگوستین نام‌آورترین آنان بود. تمام اندیشه‌های ایشان بر اساس کتاب مقدس و هماهنگ با آن نگاشته شده بود. با آنکه مطالب زیبایی‌شناسی و هنر بخش اصلی اندیشه آنان را تشکیل نمی‌داد مطالبی را در این راستا عنوان کرده‌اند.

در عهد عتیق که ترجمه یونانی آن به هفتادگان<sup>۱۴</sup> نامور است در کتاب. یش ۱:۳۱ آمده است: «و خدا به هر آنچه ساخته بود نظر کرد و آن را بسیار زیبا دید.» در این ترجمه واژه کالوس<sup>۱۵</sup> به معنای زیبا به کار رفته است اما در متن اصلی عبری آن واژه‌ای که به کار رفته مفهومی گسترده‌تر دارد و اشاره بر کیفیات ظاهری و باطنی می‌کند و مفهوم آن موفقیت‌آمیز بودن اثر است. این اندیشه در ترجمه لاتین عهد عتیق به نام ولگات<sup>۱۶</sup> به کار گرفته شده و به جای واژه کالوس از واژه یونوم<sup>۱۷</sup> به



مهارت انجام شده است؛ (...) بگذار تا ایده‌های از او که زیباتر از زیباست را درک کنیم» (Ibid.: 191).

### زیباشناسی امپراتوری مسیحی غربی

#### زیباشناسی قدیس آگوستین

زیبایی‌شناسی آگوستین همچون فلسفه وی تحت تاثیر سه نحله مانویت، مسیحیت و نوافلاطونی است. او معتقد بود: «لذت‌بخش بودن یک چیز به دلیل زیبا بودن آن است» (تاتار کیویچ، ۱۳۹۶: ۸۴) و زیبا بودن آن چیز متأثر از تناسب آن است. اندازه با عدد مشخص می‌شود. او با فیثاغورثیان هم‌داستان بود که اعداد، ذات نظام عالم‌اند. در واقع او توانست باور فیثاغورثیان را با مسیحیت هماهنگ کند و در رساله موسیقی<sup>۱۲</sup> می‌نویسد: «همه چیز توسط خدا خلق و اندازه‌گیری شد» (Bia, 2017: 193). او خلقت و زیبایی مادی و معنوی را واجد عدد و در نتیجه تناسب می‌داند. کارول هریسون معتقد است که در نوشته‌های آگوستین، عدد، فرم و زیبایی مترادف‌اند (Harrison, 1988: 591-602). وی زیبایی هنری را نیز واجد تناسب، عدد و هارمونی می‌داند و می‌نویسد: «وقتی بخش کوچکی از یک موزاییک را می‌نگریم به خاطر آنکه خیلی از نزدیک نگرستیم نظم و ترکیب آن را نمی‌بینیم و هنرمند را مقصر می‌دانیم زیرا در دیدن اثر هنری (موزاییک) به‌طور کلی و کشف نظم و هماهنگی اجزا آن است که متوجه زیبایی پرتره می‌شویم» (Saint Au, 2007: 51-52). با مطالعه همین رساله متوجه می‌شویم که او زیبایی هنر را مانند زیبایی طبیعی واجد نظم، عدد و نیز تالو می‌داند. آگوستین بر زیبایی طبیعت که خالق آن را خدا می‌داند تاکید می‌ورزد اما به اشیا مادی توجهی ندارد و زیبایی هنری را می‌ستاید.

قدیس آگوستین در طول حیات خود با گرایش سه‌گانه، باورهای مسیحیت، مانویت و نوافلاطونی، به اندیشه‌های خود شکل بخشید. وی یکی از بزرگترین اندیشمندان متاله قرون وسطا به شمار می‌رفت و قرن‌ها تفکرات وی بر کلیسا و جهان مسیحیت چیرگی داشت. او در کارناژ با مطالعه رساله هورتنسیوس<sup>۱۴</sup> از سیسرون<sup>۱۵</sup> به شدت متمایل به فلسفه شد و سپس در مسیر جست‌وجوی حقیقت، زندگی خود را وقف آن نمود. در این راستا ابتدا به فرقه مانوی پیوست. در آن زمان مانویت فرقه‌ای مسیحی و مبتنی بر اندیشه ثنویت بود. مانویان ادعا می‌کردند که پاسخی منطقی برای تمامی پرسش‌ها دارند. مانویان در پی شناخت حقیقت و از همه مهم‌تر به دنبال پاسخی منطقی برای وجود گناه و شر بودند. آنان برای توجیه شر مانند فرقه‌های گنوسی و با تکیه بر آراء ثنویت‌باور ایران باستان، دو نیروی خیر و شر ابدی و ازلی را در نظر می‌گرفتند و تمامی تباین‌ها را زیرمجموعه آن قرار می‌دادند. در نتیجه ماده، سیاه، چپ و پایین، شر؛ و روح، سپید، راست و بالا، خیر محسوب می‌شدند. لذا جهان ماده مخلوق شر است و باید از آن پرهیز شود. انسان جهان روشنایی و منشاء خیر خود را از یاد برده است و تا زمان آگاهی نیافتن از اصل خویش مسئول گناهان خود نمی‌باشد. آگوستین به مدت نه سال به عنوان یکی از پیروان این آیین فعالیت داشت اما پس از مدتی رهبران مانوی قادر به پاسخ‌گویی به پرسش‌های وی نبودند لذا آگوستین از این فرقه فاصله

می‌گیرد و پس از دریافت غسل تعمید توسط آمبروس آشکارا با مانویان مخالفت می‌کند. اما با وجود مخالفت آشکار و تنظیم رسالات متعدد علیه مانویان، در واقع نمی‌توان تفسیر درستی از دریافت‌هایش جدا از آیین روشنایی اتخاذ کرد. وی به گونه‌ای غیرقابل‌تصور ملهم از مانویت بود و بدین روی بود که جهان مسیحیت پس از وی به ثنویت گرایش یافت.

غالب اندیشمندان معاصر معتقدند که آگوستین از مانویت تأثیر بسیار پذیرفته است. براون<sup>۱۶</sup> معتقد است «علت تمایل آگوستین به آمبروز و فلوطین آن بوده که مفاهیم القا شده توسط آنان بی‌شبهت به آرای مانوی نبوده است» (Comes, 2014: 30). بیدوهن نیز با صحنه گذاشتن بر تأثیر مانویت بر آگوستین معتقد است که اگر امروز احکام الهی پولس حواری را حواری فیض الهی<sup>۱۷</sup> می‌دانند، فقط به خاطر تأثیرات قدیس آگوستین است. با وجود آنکه اصول عقاید فیض الهی مطرح شده توسط آگوستین هیچ ارتباطی با مانویان ندارد اما میزانی که او این اصل را در پولس حواری مشاهده می‌کند فقط می‌تواند تأثیر مانویان بوده باشد. شرایطی که می‌توان آن را الهیات یا یزدان‌شناسی میان مانویت و کاتولیک نامید (BeDuhn, 2013: 6-7). بیدوهن ادامه می‌دهد که به عقیده وی «آگوستین مانویت و مسیحیت را در هم آمیخته است همان گونه که مانی نیز میان مسیحیت و آیین زرتشت ارتباط برقرار ساخته است» (Ibid.: 8). تأثیر مانویت بر آگوستین غیرقابل انکار و تا حدی است که به عقیده وان اورت: «شالوده اندیشه‌های آگوستین از مانویت نشأت گرفته است و بدون شناخت دین روشنایی، الهیات و حکمت آگوستین و حتی مسیحیت ارتودوکس و کاتولیک پس از وی قابل شناخت نیست» (Van Oort, 2006: 709). وان اورت و وُناردی حتی رساله شهر خدا اثر آگوستین را نیز در راستای اصول اعتقادی مانویان پنداشته‌اند زیرا این رساله مبتنی بر وجود دو قلمرو الهی و زمینی یا به عبارتی دیگر شهر مقدس اورشلیم<sup>۱۸</sup> (بیت‌المقدس) و شهر کافر کیشان بابل<sup>۱۹</sup> با خدایان بسیار می‌باشد. با توجه به پژوهش‌های نوین باید قدیس آگوستین را حلقه انتقال اندیشه مانوی در مسیحیت ارتودوکس و کاتولیک دانست. در واقع عدم توجه روحانیون به جسم، پیروی از زندگی زاهدانه، ممانعت از تولید مثل و حتی تقدس تصاویر همگی برگرفته از آیین ثنویت‌گرای مانوی هستند.

### نقاشی و مسیحیت آغازین

مسیحیت آغازین در فلسطین بر اساس سنن قوم یهود و کتاب مقدس آنان یعنی عهد عتیق بوده است. در مسیحیت آغازین نیز مانند آیین یهود شمایل‌نگاری مورد توجه نبود اما با گسترش مسیحیت در دل امپراتوری روم و تحت تأثیر فرهنگ تصویری رومی، هنر مسیحی ملهم از هنر هلنی-رومی پدیدار گشت. عیسویان به دلیل نافرمانی از امپراتوری مورد آزار واقع می‌شدند و به ناچار فعالیت‌های پنهانی را پیش می‌گرفتند. آنان به خاطر اعتقاد به زندگی جاوید و رستاخیز، می‌خواستند مردگان خود را دفن کنند و از آنجا که نمی‌توانستند آنها را در ملاء عام دفن کنند به ناچار در زیر شهر رم شبکه‌هایی متشکل از تونل‌ها و اتاقک‌هایی به نام کاتاکمب یا گوردخمه<sup>۲۰</sup> احداث کردند و به تزئین این مکان‌ها با نمادها و نشانه‌های مسیحی پرداختند. این آثار که بیشتر به صورت فرسک اجرا





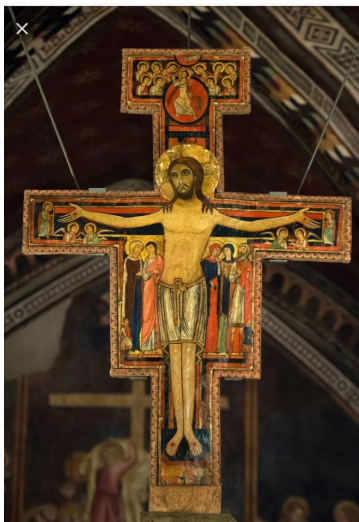
### نقاشی قرون میانه و اندیشه ثنویت گرای گنوسی-مانوی

در هنر یونان و روم تقلیدی ایدئالیستی از خدایان و امپراتوران صورت می‌گرفت. هنرمندان مسیحی نیز شمایل‌نگاری از حضرت مسیح، حضرت مریم و قدیسان را به همان روش آغاز کردند اگرچه این شیوه ادامه نیافت و به زودی جهتی کاملاً متضاد به خود گرفت و تبدیل به هنری غیردنیوی، انتزاعی و دور از جنبه‌های انسان‌گرایانه شد. در همین راستا مانی به‌عنوان یکی از رهبران مسیحی نقاشی و هنر را در رأس آیین خود قرار داد. مانی در قرن سوم میلادی نه تنها نقاشی را مجاز می‌شمرد بلکه آن را عملی مقدس محسوب می‌کرد و از آن به‌عنوان یکی از شیوه‌های نجات بشر از قید ماده بهره می‌جست. لذا او نقاشی را بر پیروان خود واجب دانست. در این دوران به جهت شردانستن ماده و جهان مادی، نقاشی‌ها باید فضایی غیرمادی و روحانی را نمایش می‌دادند که عبارت بود از حذف پرسپکتیو، حذف سایه‌روشن و نمایش اشخاص بدون هیچ‌گونه احساسات و تناسبات ایدیال بشری. این امر نمی‌تواند تصادفی باشد. در واقع مسیحیان تحت تأثیر آئین مانوی-گنوسی شیوه‌های واجد تناسب و مادی‌گرایی یونان باستان را کنار گذاشتند و شیوه‌ای مشابه هنر مانوی را تداوم بخشیدند. فرانسویس آسیزی در قرن سیزدهم میلادی متوجه این امر در هنر مسیحیت شد. او آگاه شد که هیچ‌یک از تصاویر مسیح مصلوب گویای رنج و درد مسیح بر صلیب نیستند و آشکارا واجد آرای فرقه‌های نو-مانوی (کاتاری) می‌باشند. در نتیجه او در صدد برآمد تا شمایل عیسوی را از هرگونه آرای ارتدادی بزدايد و مکتبی را پدید آورد که در آن تصاویر مسیح و قدیسان گویای احساسات بشری باشند (Ruppar, 2016).

### بازشناسی اندیشه مانوی در آثار نقاشی دوره میانه

#### ۱. تصویر (۲) عیسی مصلوب

در کلیسای سن دومینانو<sup>۲۵</sup> نزدیک آسیزی<sup>۲۶</sup> نقشی از مسیح مربوط به ۱۱۰۰ م. برپاست. در این تصویر عیسی بدون نشان از احساسات انسان‌گونه و فاقد حس رنج ظاهر شده است. حتی بر جای زخم‌های وی هیچ اثری از خون‌ریزی مشاهده نمی‌شود. مسیح در حالی که پارچه‌ای سپید به

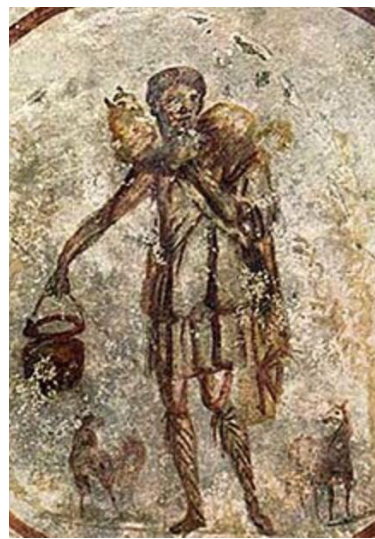


تصویر ۲. تصویر عیسی مصلوب مربوط به کلیسای سن دومینانو، آسیزی، هنرمند آن نامشخص است. منبع: (برگرفته از وبگاه [www.pinterest.com](http://www.pinterest.com))

می‌شد ترکیبی از سنت‌های رومی و عناصر مسیحی بود. این آثار که از کهن‌ترین آثار مسیحی محسوب می‌شوند مربوط به سده ۲۰۰ میلادی می‌باشند.

تصویر شبان خوب که بره‌ای بر دوش دارد در گوردخمه کالیکتوس لوسینا<sup>۲۷</sup> موجود است. شبان خوب اشاره‌ای است به عیسی مسیح و گوسفندان، پیروان او هستند. در کتاب عهد جدید یوحنا ۱۰:۱۱ مسیح می‌گوید: «من شبان خوب و دلسوزم. شبان خوب از جان خود می‌گذرد تا گوسفندان را از چنگال گرگ نجات دهد.» در این تصویر مسیح بدون هاله مقدس به تصویر درآمده است. آغاز استفاده از هاله مقدس در هنر مسیحی از قرن چهارم بود و به سبب کاربرد آغازین آن در هنر کافرکیشی، نخست از آن پرهیز می‌شد (تصویر ۱).

هنر آغازین مسیحی در گوردخمه‌ها به شیوه‌ی هلنی-رومی کار شده است؛ حتی در آن از شمایل پیشامسیحی استفاده شده است که البته تفسیری مسیحی برای آن قائل‌اند. مثلاً در گوردخمه دومیتیل<sup>۲۸</sup> تصویر چنگ‌نواز برگرفته از اساطیر پیشامسیحی به چشم می‌خورد که نمایانگر اورفئوس<sup>۲۹</sup> در حال نواختن چنگ برای بازخوانی معشوق خود ائورودیکه<sup>۳۰</sup> از جهان فروردین است اما تفسیر مسیحی آن اشاره به رستاخیز مسیح دارد (Calkins, 1985: 8). در این تصویر مسیح فاقد ریش ترسیم شده است، همان‌گونه که در آثار یونانی-رومی مصور می‌شد. مسیحیان رومی الگویی جز آثار رومی و یونانی نداشتند و ناچار به پیروی از آنها بودند. این شیوه با کتاب مقدس در هماهنگی بود زیرا در کتاب مقدس خدا فرمود: «انسان را شبیه خود بسازیم تا بر حیوانات زمین و ماهیان دریا و پرندگان آسمان فرمانروایی کند» (پیدایش ۲۷-۱: ۲۶). مسیح و انسان باید به گونه‌ای ایدئال با تناسب دقیق رسم شوند زیرا مسیح به عقیده آنان تجسد پروردگار است و انسان تقلیدی است از پروردگار و واجد زیبایی. تقلید از طبیعت نیز برای مسیحیان منع نشده است زیرا طبیعت به‌عنوان مخلوق خداوند مورد تکریم بوده است. لذا این شیوه در هماهنگی کامل با اندیشه عیسوی قرار داشت.



تصویر ۱. تصویر از شبان خوب از کتاب *Monuments of Medieval Art*، صفحه ۷، اوایل قرن سوم میلادی.



و به ما زندگی بخشید»

روبه روی قدیس جایگاهی با چهار ستون سپید قرار گرفته است که به گنبدی هرمی شکل منتهی می‌شود. این ستون‌های سپید اشاره به جهان مادی و گنبد با ستیغ هرم رو به بالا اشاره به جهان فرازین و آسمان دارد و می‌توان آن را به‌عنوان مسیری ارتباطی میان جهان مادی و جهان ماورای طبیعی انگاشت که ارواح الهی بعد از پالایش از آن می‌گذرند و به پیشگاه پدر روشنایی تشریف می‌یابند. در این نقش فقط قدیس است که به آن تقرب یافته است و سر به زیر آن دارد که نشان از ارتباط وی با جهان روشنایی و روح پالوده شده اوست. قدیس و جایگاه، منورترین بخش تابلو است. دو فرد دیگر که در سمت راست جایگاه با لباس‌هایی سپید اما با نوری کم‌تر از قدیس ایستاده‌اند اشیای مذهبی در دست دارند ولی فاقد هلال تقدس به دور سر هستند. آنان روحشان تطهیر یافته است اما هنوز به مقام الوالی قدیس نرسیده‌اند. در پشت قدیس یعنی سمت چپ تابلو چند تن حضور دارند و پشت سر آنان یک درگاه ستون‌دار و چند تن در تاریکی به چشم می‌خورند. با ارجاع به باور ثنویت گرا چپ، سمت و سوی شر و راست، طرف خیر است. افراد ایستاده در تاریکی، کسانی هستند که با وجود آنکه در راه راست گام برداشته‌اند اما هنوز اسیر ماده و ظلمت‌اند. افرادی که از چپ به راست حرکت کرده و درگاه را رد نموده‌اند کمی روشن‌تر ترسیم شده‌اند در حالی که بخش پایین جامه آنان به رنگ آبی درآمده که نشان از روند تطهیر روح آنان است. کل تصویر رنگ تاریکی شب دارد. آسمان و حتی بخش زیرین جایگاه به رنگ آبی تیره است. یعنی همان آبی که در نقاشی‌های مانوی کار شده است. در باور مانویان و به تبع آن فرقه‌های نو-مانوی شب‌هنگام قدرت شر در اوج خود است. از این روست که این مراسم در تاریکی و شب انجام می‌پذیرد. در این تصویر ناظر چیرگی نور بر ظلمت و تطهیر ارواح و روند حرکتی آنان از چپ یعنی شر به راست یعنی خیر هستیم. قدیس و جایگاه با نور خود هادی ارواح‌اند. آنان که زندگی زاهدانه و پرهیزکارانه را پیش گیرند واجد نور الهی بیشتری خواهند بود. در این تصویر تنها چیزی که به آرای مانوی اشاره ندارد مکتوبی است که در دست قدیس قرار دارد. زیرا در باور نحله ثنویت گرا، خداوند خیر یا پدر روشنایی آفریننده جهان مادی



تصویر ۳. دیوارنگاره کلیسای جامع سانتاسوفیا<sup>۱۳</sup>، در اوهرید مقدونیه<sup>۱۴</sup> شمالی. منبع: Directmedia publishing GmbH, 2002

دور خود دارد بر صلیب کشیده شده است. بر سر او هلال تقدس نمایان است. همچنین صلیب مزین به تصویر افراد مقدس است. در بخش فوقانی صلیب ظاهراً افرادی یا فرشتگانی که از تقدس بیشتری برخوردار هستند در آسمان قرار گرفته‌اند. افرادی که در میانه صلیب رسم شده‌اند افرادی مقدس هستند اما بر زمین قرار دارند که احتمالاً قدیسان و حواریون مسیحی می‌باشند. در بخش تحتانی صلیب نیز چند پیکر در سمت راست و در اندازه‌های کوچک و با هلال مقدس قرار دارند.

در نقاشی‌های آغازین مسیحی از نمایش هلال تقدس به دلیل کاربرد آن در تصاویر کافرکشی پیش از مسیحیت پرهیز می‌شد اما با گسترش مانویت و ظهور فرقه‌های نو-مانوی از قرن چهارم به بعد شاهد به کار بردن هلال تقدس به دور سر مقدسین می‌باشیم. در باور مانویان افرادی که خود را با پیروی از زندگی زاهدانه پالایش می‌کنند واجد نور مقدس هستند و آن را مانی با رسم هلال مقدس به دور سر افراد نمایش داده است. مانویان معتقد به تجسد مسیح نبودند و او را کاملاً معنوی می‌دانستند؛ یعنی روحی که فاقد جسم آلوده به ماده است. لذا به هنگام تصلب قادر به احساس درد نبوده است. بیشتر تصاویر مسیح تا آن زمان با الهام از این تفکر مانوی ترسیم می‌شد؛ یعنی فاقد نشانه‌های درد و رنج و بدون نشانه‌ای از زخم و بدون طبیعت گرای.

روزی قدیس فرانسیس (۱۱۸۱-۱۲۲۶ م)، مؤسس فرقه فرانسیسی، در حال نیایش در کلیسای سن دومینو بود که ناگهان ندایی شنید که می‌گفت: «فرانسیس برو و خانه مرا مرمت کن که در حالت تخریب است.» وی درمی‌یابد که این ندا از همین تصویر مسیح است. او متوجه حضور اندیشه فرقه‌های نو-مانوی در این تصویر می‌شود. آن زمان فرقه‌های کاتاری با الهام از آرای مانوی فعال بودند. پس از شنیدن این صدا، فرانسیس در تلاش برای پالایش تفکر مانوی در آثار هنری، شیوه‌ای را در نقاشی پایه‌گذاری می‌کند؛ شیوه‌ای که واجد حالات انسان‌گرایانه و در تعارض با آرای مانوی بوده است. تصاویر عیسی مصلوب از آن پس و بعد از کشتار کاتارها، به مرور با حس درد و رنج ترسیم می‌شوند (Ruppar, 2016: 68-42). در این تصویر مانند همه شمایل عیسوی تباین‌های موجود در آرای مانوی همچون بالا-پایین، راست-چپ و سیاه و سپید رعایت شده‌اند. حتی پارچه دور مسیح به رنگ سپید است که همان رنگ لباس مانویان بوده است. فرانسیس به درستی متوجه آرای ثنویت‌گرایان مرتد در این تصویر شده بود. اما از آنجا که کاتارها نحله‌هایی بودند با تمایلات شمایل‌شکن، این تصویر و تصاویر مشابه دیگر بدون شک با الهام از اولین نقاش و تصویرگر مسیحی ثنویت‌گرا یعنی مانی ترسیم شده‌اند.

## ۲. شمایل بازیل مقدس (تصویر ۳)

نحله بوگومیل در قرن دهم میلادی در منطقه مقدونیه نضج گرفت و در قرن یازدهم میلادی در بسیاری از مناطق توسعه یافت. آنان فرقه‌ای نو-مانوی با اعتقاد به ثنویت بودند. در این تصویر بازیل مقدس، قائد آبابی کلیسای شرق، با ردایی سپید و روشن و هاله تقدس در میان تصویر قرار دارد. او در حال ادای نماز و اهدای فدیهاها به درگاه پروردگار است و در دست خود نوشته‌ای به این شرح دارد: «خدا پروردگار ما، که ما را آفرید



دوره مشاهده نمی‌شود و به ساده‌زیستی مریم و عیسی مسیح به دور از ماده‌گرایی اشاره دارد. هر دو چهره فاقد حالات انسان‌گونه و احساسات انسانی هستند. قرار گرفتن مسیح در هاله‌ای از نور و بدون هیچ تماسی با جایی حتی حضرت مریم بسیار قابل توجه است.

هاله تخم‌مرغی شکل اشاره به زهدان مقدس دارد. مانویان بر این باور بودند که عیسی مسیح از پیکر حضرت مریم فقط به‌عنوان یک معبر و گذار سود جسته و زاده نشده است. لذا وی را در زهدان مقدس به تصویر درآورده‌اند. وی با حضرت مریم یا سایر اشیای مادی تماس ندارد و این در حالی است که حضرت مریم نشسته بر تخت و واجد جسمی مادی است. حضرت مریم دارای هاله نور است که نمایانگر نور درون اوست و نشان از پالایش وی دارد اما هم‌راستا با اندیشه مانوی برای وی تجسمی مادی قائل شده‌اند که با اشیای مادی تماس دارد. نورگرداگرد سر مسیح روشن‌ترین نقطه کل اثر و ارجاعی به جهان روشنی است. تنها مفهومی که به غیرمانوی بودن تصویر اشاره دارد کلمه مادر خدا است. تمامی آثار بیژانس و قرون میانه متأثر از باور ثنویت‌گرای مانوی است. حتی پس از کشتار عظیم فرقه‌های ثنویت‌گرا در قرن دوازدهم این دیدگاه همچنان تداوم داشت. سرانجام در عصر نوزایی و با ارجاع به هنر یونانی-رومی، گرایش‌های ماده‌گرا اعم از سایه روشن، تناسب ایدئال انسانی، ژرف‌نمایی و طبیعت‌گرایی دوباره در آثار غرب نمایان شد.

### نتیجه‌گیری

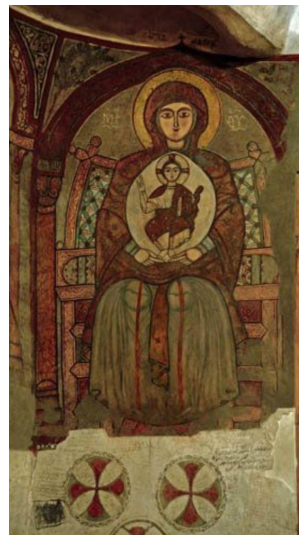
مسیحیت آیینی است که در امپراتوری روم و در میان یهودیان ظهور کرد. پس از عیسی مسیح حواریون و پیروان وی دین مسیحیت را گسترش دادند و فرقه‌های متعدد با تفاسیر مختلف از آن آیین، از جمله گنوسیان، ظهور کردند. چالش اساسی در باور گنوسی شامل چگونگی آمیختن روح با ماده و چگونگی جدایی آنها از یکدیگر بود. به بیان دیگر چگونگی درآمیختن ماده یا همان شر با روح یا همان خیر و چگونگی جداساختن این دو از یکدیگر مورد سوال بود. پاسخ آنان به این پرسش گنوس یا معرفت است. آگاهی از خدای نیکی و منشأ یافتن روح از خدای خیر. این ثنویت، برخاسته از اندیشه ایرانی و به شکل گنوسی‌باوری در مکاتب مرتد مسیحی تجلی یافت. نحله‌های گنوسی یکی پس از دیگری ظهور کردند و سپس رو به افول گذاشتند.

مانی پیام‌آور ایرانی آیینی ملهم از گنوسی‌گری را پایه‌گذاری می‌کند که از مرزهای ایران می‌گذرد و جهان آن روزگار را متأثر از خود می‌سازد. با گسترش مانویت در غرب نحله‌های ملهم از مانویت همچون پالسینیسم، بوگوملیسم، کاتاریسم و غیره ظهور می‌کنند. یکی از مهم‌ترین پیروان آیین مانی، قدیس آگوستین، اندیشمند، فیلسوف و متأله مطرح و پرنفوذ قرون وسطا است که مسیحیت تحت تأثیر اندیشه‌های وی قرار گرفت. تسلط اندیشه‌های وی بر کلیسای مسیحی بالغ بر قرن‌ها ادامه داشت به نحوی که بدون شناخت تفکر او نمی‌توان مسیحیت رایج در غرب پس از وی را شناخت. در واقع او بیانگر دین و الهیات مسیحی با دیدگاهی فلسفی بود. اندیشمندان متعدد همچون وان اورت و بی‌دوین بر این باور هستند که آرای قدیس آگوستین تحت تأثیر مانویت شکل گرفت

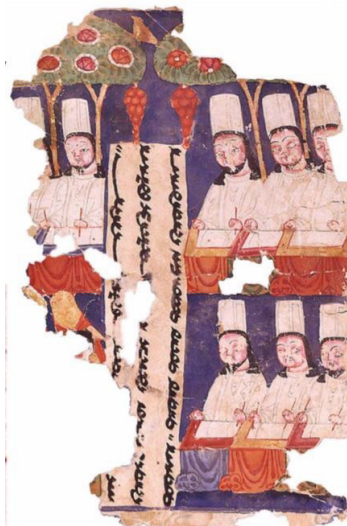
و بشریت نیست و فقط انوار نورانی و الهی اسیر شده در ماده می‌بایستی نجات یابند.

### ۳. تصویر (۴) حضرت مریم و مسیح کودک

در این تصویر (۴) حضرت مریم نشسته بر تختی چوبین و ساده، عیسی کودک را در آغوش دارد. دو طرف مریم مقدس (MP (Meter Theou نوشته شده است که به معنای مادر خدا است. با آنکه این تصویر مربوط به قرن ۱۳ م. است به شکل قابل ملاحظه‌ای از طبیعت‌گرایی فاصله گرفته و به نقوشی انتزاعی نزدیک شده است. مسیح کودک به صورت انسانی بالغ با اندازه‌ای کوچک ترسیم شده و کل پیکر او در هلالی تخم‌مرغی شکل قرار گرفته است. عیسی و مریم هر دو با هلال تقدس مصور شده‌اند. حضرت عیسی دست راست خود را به نشان نام خود بالا برده است. چشمان هر دو نقش یادآور برخی نقاشی‌های برجای مانده از مانویان است که با چشمان گشوده و خیره به مقابل، ارتباطی روحانی با ناظر برقرار می‌کنند. در این تصویر حالات اشرافیت معمول آثار آن



تصویر ۴. مصر شهر باویط Bawit، صومعه آنتونی مقدس ۱۳ میلادی. منبع: (Sonia Halliday Photo Library)



تصویر ۵. کاتبان مانوی مکشوف در ترکستان چین، عصر ساسانی. منبع: (www.pinterest.com)





مسیحیان هم تحت تأثیر مانویان نه تنها تصویرسازی را مقدس شماردند بلکه کلیساها را به انجیلی مصور تبدیل ساختند و دیرها را به مراکز هنری بدل ساختند.

#### پی‌نوشت‌ها

1. Francis of Assisi: Giovanni di Pietro di Bernardone –Saint Francis of Assisi (died 1226).
  2. Johannes VanOort.
  3. Techne.
  4. Lethia .رود فراموشی
  5. Alethia.
  6. Phusis.
  7. Edict of Thessalonica.
  8. Septuagint.
  9. Kalos.
  10. Vulgate.
  11. Bonum.
  12. Pulchrum.
  13. De Musica.
  14. Hortensius.
  15. Cicero 106-43 AD.
  16. Brown.
  17. Apostle of Grace.
۱۸. اور=شهر شلیم=سالم ← Jerusalem = شهر سالم  
 ۱۹. باب=درب ایلون=خدایان ← Babylon = دروازه‌ی خدایان
20. Catacomb.
  21. Calixtus Crypto of Lucina.
  22. Domitilla.
  23. Orpheus.
  24. Eurydice.
  25. St. Domiano.
  26. Assisi.
  26. Santa Sophia Cathedral.
  27. Ohrid , North Macedonia.

#### فهرست منابع فارسی

- افلاطون (۱۳۶۷)، دوره‌ی آثار افلاطون، جلد دوم، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- تاتار کیویچ، ولادیسلاف (۱۳۹۲)، تاریخ زیبایی‌شناسی، جلد اول، ترجمه جواد فندر سکی، تهران: نشر علمی.
- تاتار کیویچ، ولادیسلاف (۱۳۹۶)، تاریخ زیبایی‌شناسی، جلد دوم، ترجمه هادی ربیعی، تهران: نشر مینوی خرد.
- سوانه پیر (۱۳۹۳)، مبانی زیبایی‌شناسی، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: نشر ماهی.

#### فهرست منابع لاتین

- Alexandrakis, Aphrodite (1986). A Comparison of Plato Plotinus and Hegel on the conception of Beauty, *Dissertation*, University of Miami.
- BeDuhn, Jason (2013). Not to Depart from Christ: Augustine between Manichaean and Catholic Christianity. North Arizona University Press. *Theologiese Studies*, 69(1), Art.#1355.
- Bia, Junxiao (2017). Numbers: Harmonia Ratios and Beauty in Augustinian Musical Cosmology. *The Journal Of Natural and Social Philosophy*, vol. 13, no. 3.
- Calkins, Robert (1985). *Monumental of Medieval Art*, Cornell University press: London.
- Comes, Michael James (2014). *Augustine's contra Fortuntum*, Perspectives from critical discourse analysis and argumentation theory. Stellenbosch University press.

و بدین گونه مسیحیت پس از وی مسیحیتی است ملهم از مانویت و در نتیجه بدون ارجاع به آیین روشنائی نمی‌توان درک درستی از آن داشت. در واقع قدیس آگوستین حلقه انتقال اندیشه ثنویت گرای مانوی به مسیحیت بوده است. مانی نخستین رهبر مسیحی است که نه تنها خود اقدام به تصویرسازی و ثبت اندیشه‌های خود می‌نماید بلکه آن را بر پیروان خود واجب می‌داند. از این رو مانستان‌ها نه تنها مراکز دینی بلکه مراکز هنری محسوب می‌شدند درست همان گونه که در مسیحیت چنین شد. حتی در آثار نقاشی مسیحی شاهد اندیشه و شیوه مانی هستیم. در مسیحیت آغازین به سبب پیروی از سنت‌های یهودی از تصویرسازی ممانعت به عمل آمد. اما در ۲۰۰ م. و تحت تأثیر فرهنگ بصری هلنی-رومی آثاری به آن شیوه اجرا شد که دوامی نیاورد و به زودی شاهد گسترش شیوه‌ای از نقاشی بودیم که ملهم از آثار و اندیشه ثنویت گرای مانویان بود.

زیبایی‌شناسی که بازیل و قدیس آگوستین در نظر داشتند با زیبایی‌شناسی یونان تفاوت چندانی نداشت. آنان همانند یونانیان بر تناسب، عدد و فرم تأکید داشتند. در فرهنگ هلنی-رومی نیز برای به تصویر کشیدن خدایان خود از تناسب، عدد، فرم و تقلید ایدئال از طبیعت بهره برده‌اند. یونانیان به سبب تحسین طبیعت از آن تقلیدی دقیق انجام می‌دادند. این شیوه مغایرتی با کتاب مقدس نداشت زیرا جهان مادی به عنوان مخلوق پروردگار واجد احترام بود و انتظار می‌رفت همان شیوه نگارگری نیز تداوم یابد اما اینگونه نشد. تنها با داشتن اندیشه ثنویت گرا که ضد ماده است می‌توان انتظار داشت که از طبیعت فاصله گرفته شود و نقاشی‌هایی کشیده شود که نه تنها سایه‌روشن و ژرف‌نمایی در آن وجود ندارد بلکه از نمایش احساسات بشرگونه نیز پرهیز می‌گردد. تمامی آثار نقاشی قرون میانه نه تنها با رویکردی غیرمادی و بدون وجوه انسان‌گرایانه ترسیم شده‌اند بلکه اندیشه ثنویت گرای مانوی را به نمایش می‌گذارند. هنگامی که قدیس فرانسیس پی به حضور اندیشه ثنویت گرا در تصاویر مسیح می‌برد در صدد اصلاح آن برمی‌آید. وی مکتبی را پایه‌گذاری می‌کند که در آن احساسات و عواطف بشری نمایان است. از آن پس شاهد ظهور شیوه‌ای در آثار هنری مسیحی هستیم که سمت و سوی ماده‌گرایانه را پیش گرفته است یعنی بر شربودن ماده تکیه ندارد و حالاتی انسان‌گرایانه را برای مسیح و مقدسین به نمایش می‌گذارد. این شیوه، اومانیزم را در پی داشت که اوج ماده‌گرایی این جهانی، یعنی به کارگیری سایه‌روشن، آناتومی، ژرف‌نمایی دقیق و تقلید از طبیعت را در دوران رنسانس به نمایش گذاشت. اندیشمندان، ظهور اومانیزم در غرب را ارجاع به فرهنگ یونان باستان عنوان کرده‌اند اما در این پژوهش نشان داده شد که این امر نه به سبب رجوع به فرهنگ یونان باستان بلکه به سبب زوال اندیشه ثنویت‌گرای مانوی و نو-مانوی از مسیحیت و هنر مسیحی بوده است. اما با این وجود اندیشه ثنویت تا حدودی در جهان غرب و در فرهنگ مسیحی باقی می‌ماند و همچنان در برخی آثار متأخر قابل شناسایی است. در این پژوهش همچنین نشان داده شد که قدیس آگوستین یکی از مهم‌ترین حلقه‌های انتقال اندیشه ثنویت‌گرای مانوی به مسیحیت بوده است. همین‌طور اندیشه گنوسی-مانوی در آثار نقاشی قرون میانه قابل شناسایی است و هنر مسیحی در پی سنت مانوی گسترش یافته است.





Van Oort, Johannes (2006). Augustine and Manichaesim, New Discoveries, *New Prespectives*. vol 27, no: 2. Verbum Et Ecclesia. University of Utrecht and Nijmegen, Netherlands.

Vuntarde, Paul (2013). *Augustine Ecclesiology and it's development between the years 354-387 AD*. University of Pretoria press.

Wolenski, Jan (2003). *Aletheia in Greek thought until Aristotale*. Institute of Philosophy, Jagillonian University, Annual of pure and Applied Logic. 127.

#### فهرست منابع تصاویر

Calkins, Robert (1985). *Monumental of Medieval Art*, Cornell University press: London.

Directmedia publishing GmbH

Sonia Halliday Photo Library- [www.soniahalliday.com](http://www.soniahalliday.com)

[www.pinterest.com](http://www.pinterest.com)

Harrison. Carol (1988). Measure, Number and weight in Saint Augustine's Aesthetics. *Augustinianum*, vol. 28, pp. 591-602 .

Karhan, Anna (2012). Beauty in the Ees of God, Byzantine Aesthetics and Basil of Caesarea. *Byzantion Journal*. vol. 82. pp. 165-212.

Runciman, Steven (1947). *The Medieval Manichee: A Study of the Christian Dualist Heresy*. Cambridge University press.

Ruppar, Rebecca (2016). *The Painted panel Crucifixes of the Early Franciscans as a Response to the Cathar Heresy*, University of Missouri.

Saint Augustine (2007). *On Order (De Ordine)*. Silvano Boruso (trans). St. Augustine press.

*Stanford Encyclopedia of Philosophy: Plato's Aesthetics*.

Van Oort, Johannes (1991). *Jerusalem and Babylon: A study into Augustine's City of God and the sources of his doctrine of the Cities*. Supplement to *Vigiliae Christianae Formerly Philosophia Patrum*. vol. 14. Brill. Leiden:New York.

#### COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Published by Soore University. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

